

اعلامیه حزب حکمتیست

در همبستگی با کارگران معدن زغال سنگ دامغان  
سرمایه داری و دولت اسلامی مسبب قتل کارگران است!

صفحه ۳

در باره هشدار تاریک فکran "علم و فرهنگ و هنر"  
جنگ ناسیونالیسم با ناسیونالیسم

صفحه ۴

سیاوش دانشور

تحلیل مارکسیستی تعرفه های اقتصادی و پیامدهای آن

جمال کمانگر

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با  
موفقیت برگزار شد

صفحه ۸

در مورد نوروژ خونین سندج

باز نشر گفتگوی اکتبر با اسماعیل ویسی و سعید یگانه

صفحه ۱۰

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به  
جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

صفحه ۱۴

پیام دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
به مناسبت درگذشت پدر مبارز آقای عبدالله اعظمی

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

۷۹۷

حکمتیست  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۲۲ فروردین ۱۴۰۴ - ۱۱ آوریل ۲۰۲۵

به پیشواز اول مه روز جهانی

کارگر

علیه جنگ و نسل کشی دولتهای سرمایه  
داری، علیه ریاضت اقتصادی، علیه فاشیسم،  
برای اتحاد طبقاتی

اول مه روزه جهانی کارگر پیش رو است. در شرایطی که پیشواز اول مه می رویم که جهان و منطقه دستخوش تحولاتی است که جامعه بشری را با مخاطرات زیادی روبرو کرده است. روند این تحولات که توسط دولتهای سرمایه داری چه بوسیله جنگ و چه رقابتهای اقتصادی، و تشدید بحرانها ایجاد شده، تماما به لحاظ اقتصادی و انسانی به ضرر طبقه کارگر و مردم محروم در سراسر جهان پیش می رود. بحران اقتصادی و جنگهای مستقیم و نیابتی، رقابت اقتصادی و جنگ تعرفه ها فشار اقتصادی را بر مردم افزایش داده و دورنمای سیاهتری را در مقابل مردم جهان قرار داده است.

ما در شرایطی که استقبال روز جهانی کارگر می رویم که نسل کشی مردم فلسطین در باریکه غزه همچنان توسط دولت فاشیست و اشغالگر اسرائیل ادامه دارد و تنش میان آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر مسائل اتمی منطقه را با تشدید جنگ و ویرانی تهدید می کند.

در پس بحران اقتصادی و جنگ، جوامع اروپایی و آمریکا بیشترین آسیب را دیده و آمدن ترامپ به کاخ سفید رشد فاشیسم و خارجی ستیزی را تشدید کرده است. وخیم شدن اوضاع اقتصادی،

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جنگ و فقر اقتصادی به میدان بیابند و به این اوضاع تن ندهند. روز جهانی کارگردر عین حال، روزی علیه راستگرایی و فاشیسم و ناسیونالیسم عظمت طلب و قومی گری، و روز اعلام همبستگی طبقه کارگرو همه زحمتکشان در همه جای جهان، با وجود تنوع زبانی و فرهنگی و رنگ و عقاید مختلف است. اول مه روز جهانی کارگر بر طبقه کارگرو همه محرومان مبارک باد. زنده باد آزادی، برابری، رفاه. زنده باد سوسیالیسم تنها راه رهایی بشریت از استثمار و ستم طبقاتی و برای برابری اقتصادی.

سعید یگانه

10 آوریل 2025



## به پیشواز اول مه روز جهانی کارگر

علیه جنگ و نسل کشی دولتهای سرمایه داری، علیه ریاضت اقتصادی، علیه فاشیسم، برای اتحاد طبقاتی

سیاستهای راست احزاب سنتی بورژوازی در قدرت، زمینه رشد احزاب راستگرا و فاشیست را ایجاد کرده و اکنون این احزاب به بخشی از قدرت در پارلمانهای اروپایی تبدیل شده‌اند. رشد احزاب راست و فاشیستی در اروپا بخصوص، محصول بحرانهای اقتصادی و جنگهای مستقیم و نیابتی و خروجی آن است.

با وجود اعتراضهای میلیونی علیه نسل کشی در فلسطین و اعتراضات وسیع علیه احزاب راست و فاشیست در اروپا و اکنون اعتراضات وسیع در آمریکا علیه سیاستهای راست و خارجی ستیزی و جنگ اقتصادی دولت ترامپ که بزودی عواقب زاینبار آن زندگی اقتصادی مردم عادی را وخیمتر می کند، اما این اعتراضات آنقدر کوبنده و سراسری نیست که جلو روند این اوضاع بایستد. عدم حضور طبقه کارگر با پرچم ضد سرمایه داری در در مقابل سیاستهای ویرانگر دولتهای بورژوازی و ضعف احزاب چپ و کمونیست، اوضاع را به نفع دولتهای سرمایه داری و احزاب راست و فاشیست و به ضرر طبقه کارگرو مردم محروم جهان رقم زده است.

در ایران در شرایطی که استقبال اول مه روز جهانی کارگر میرویم که اوضاع اقتصادی کارگران و محرومان به دلیل بحران چندلایه اقتصادی بیش از پیش رو به وخامت دارد و زندگی اکثریت مردم را در شرایط دشواری قرار داده است. دولت سرمایه داری و اسلامی ایران برای حفظ بقا و ناتوان از حل مشکلات اقتصادی مردم هر روز بیشتر به سفره خالی کارگران تعرض می کند و در مقابل اعتراض و نارضایتی مردم، به تنها ابزار حفظ حاکمیت جنایتکارانه خود، یعنی سرکوب و دستگیری و زندان و تشدید فضای اختناق بیش از پیش روی آورده است.

طبقه کارگر، بازنشستگان و معلمان و اکثریت مردم ستمدیده، محروم از رفاه و آسایش و امنیت با اعتصاب و اعتراض، به امید تغییر اوضاع، با وجود فضای مختنق و سرکوبگرانه به تلاش و مبارزه ادامه می دهند و تسلیم شرایط حاکم نشده‌اند. زنان پایه پای سایر جنبشهای اجتماعی به اعتراض و مبارزه علیه آپارتاید جنسی حاکم ادامه می دهند و تسلیم زورگویی اوباشان اسلامی نشده‌اند. جمهوری اسلامی در بدترین شرایط بقای خود به سر می برد و این اساسا محصول مبارزه مردم و عدم قبول حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت سرمایه داری و اسلامی در ایران است.

اول مه روز جهانی کارگرفرستی برای ابراز وجود طبقاتی، طبقه کارگرو بر افراشتن پرچم خشم طبقاتی علیه سیستم بردگی مزدی و استثمار و ستم طبقاتی و نابرابری و بی حقوقی نظام و دولت سرمایه داری حامی آن است. سرمایه داری و دولتهای حامی آن نه تنها در ایران، در کل جهان با تشدید بحران و رقابتهای اقتصادی، تشدید جنگ و رقابت بر سر قدرت برتر، و بردن سهم بیشتری از دسترنج طبقه کارگرو محرومان، شکاف طبقاتی را به عرش اعلا رسانده و طبقه کارگر و کل بشریت را با وخامت اوضاع و مشقات بیشتری روبرو کرده است. روز جهانی کارگرفرستی برای طبقه کارگرو همه زحمتکشان در ایران و جهان است که با پرچم لغو کار مزدی، علیه

مرگ بر جمهوری اسلامی!



مرزی عبور کند. این قاتلین سریال یعنی مقامات دولتی و بخش خصوصی، آگاهانه و با هدف کسب سود، کارگران را به عمق معدن متروکه و بدون مجوز فرستادند. آنها مرتکب قتل عمد شدند و باید پاسخگو باشند. اکنون که فاجعه رخ داده است هم مجوز صادر میکنند و هم مسئولیت را با عنوان «خطای فردی» و «توسل به» تابعیت «روی دوش کارگران جانباخته میگذارند. اسلام و ناسیونالیسم و نشر اکاذیب رسانه ها در خدمت سرمایه داران متحد عمل میکنند. دستورهای پزشکیان برای بررسی و وزیر کشور و مقامات دولتی همه از دستپاچگی و آگاهی کامل آنها به این جنایت سخن میگویند.

واقعه قتل کارگران معدن زغال سنگ در مهماندویه نه اولی است و نه آخری. این داستان کار در معادن و مراکز کار فاقد استاندارد ایمنی کار است که تاریخ آن با خون کارگران نوشته شده است. پاسخ کارگران و مردمی که اسیر خرافات اسلامی و ناسیونالیستی نشده اند اینست که دولت سرمایه دار و طبقه سرمایه دار مسبب و بانی این تراژدیها و قتل عمد کارگران است. برای تخفیف و پاپیان دادن به این قطار مرگ و جنایت سرمایه داران باید این دولت و این نظام مملو از چرک و خون را بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مراتب همدردی و همبستگی خود را با خانواده کارگران جانباخته و کارگران معدن زغال سنگ مهماندویه و طبقه کارگر ایران اعلام میکند. فراخوان ما اینست که علیه کل این اوضاع باید بپاخاست و مسببین را سرنگون و پای میز محاکمه بجرم چند دهه جنایت و قتل عمد کشاند. یاد کارگران جانباخته گرامی است!

**مرگ بر جمهوری اسلامی**

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ فروردین ۱۴۰۴ - ۸ آوریل ۲۰۲۵

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!**

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

## اعلامیه حزب حکمتیست

### در همبستگی با کارگران معدن زغال سنگ دامغان

### سرمایه داری و دولت اسلامی مسبب قتل کارگران است!

با تاسف فراوان بار دیگر «حادثه» در معدن جان هفت کارگر گرفت. طبق معمول ریزش معدن و انتشار گاز و انفجار و فقدان کنترل و سیستم ایمنی کار مسبب قتل کارگران است. اینبار نیز در عصر دوشنبه ۱۸ فروردین، بدلیل انتشار گاز سمی در معدن زغال سنگ روستای مهماندویه از توابع شهرستان دامغان، ۷ کارگر جان خود را از دست دادند. آقایان مرتضی شکاری، احمد شکاری، مهدی گیلکی، هانی گیلکی (۳۵ ساله)، طلاحسین ابراهیمی (۲۰ ساله)، مجتبی اکبری (۲۵ ساله) و علی ابراهیمی (۲۵ ساله) با گاز سمی در عمق معدن جان باختند.

توضیحات و توجیحات مسئولین استان و کارفرمایان و نهادها در چنین تراژدی هایی براین اساس استوار است که از سرمایه دار رفع مسئولیت کنند و لاجرم کارگران قربانی را به «عدم رعایت امنیت کار» و «خطای فردی» متهم کنند و طلبکار هم بشوند. از سوئی رسانه های داخلی گفته اند: «این معدن فعالیت رسمی نداشته و وضعیت آن در دست بررسی است» و «از سوئی استاندار سمنان میگوید: «معدن مهماندویه دامغان دارای مجوز و بهره بردار آن بخش خصوصی است. «از آنجا که روشن است امثال همین استاندار در تبانی با پیمانکاران و صاحبان معادن، کارگران را به قتلگاه فرستادند، بلافاصله اضافه میکنند: «خطای فردی و اشتباه محاسباتی علت اولیه وقوع حادثه و جان باختن هفت نفر در تونل متروکه داخل این معدن گزارش شد!»

این توجیحات برای کارگران معادن و خانواده های گرسنه آنها آشناست و مقدمات این حقیقت تلخ است که مسببین قتل عمد کارگران از خود رفع مسئولیت میکنند. نفس این توضیح رسانه ها که «معدن زغال سنگ مهماندویه از جمله معادن وابسته به شرکت البرز شرقی است. این روستا در ۳۵ کیلومتری شمال شرق دامغان و در استان سمنان قرار دارد؛ استانی که با دارا بودن ۴۲ نوع ماده معدنی و ذخایر قطعی حدود ۶۰۰ میلیون تن، از قطب های معدنی کشور به شمار می رود»، گویای کل داستان است.

یک نکته ظریف دیگر در این جنایت مسلم سرمایه داران هست و آن اینست که به تابعیت افغانستانی سه نفر از کارگران تحت عنوان اتباع خارجی اشاره شده است. کارگران در کار و استثمار و مرگ «ملیت» و «مذهب» ندارند اما برای صاحبان معادن و کارفرمایانی که دنبال سود و تلمبار سرمایه هایشان هستند، این تفکیک تابعیت ایرانی و خارجی برای تلطیف نفس جنایت صورت میگیرد و روی دوش تراژدستی رسمی حکومتی و اسلامی سوار است که طی دوره اخیر در ایران بویژه علیه کارگران و مهاجرین افغانستانی تشدید شده است. بوی تعفن از کلام همه این جنایتکاران بشدت مشام را می آزد.

پاسخ کارگران به این توجیحات حکومتی و کارفرمایان اینست: مرگ بر دولت سرمایه دار. مرگ بر نظامی که نفس حیات و جان انسان برایش معنی ندارد و حاضر است برای سود دست به هر جنایتی بزند و از هر

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**



برخی گروه‌های مدنی نزدیک و یا مورد وثوق دولت، در راه اندازی مراسمهای نوروزی پیشقدم شدند. مردم هم که چراغ سبز را دیدند با هجوم گسترده کنترل اوضاع را بدست گرفتند و بطور متمدن و بدون هیچ رگه نفرت پراکنی ملی و قومی و بیگانه‌گری قابل مشاهده، در همبستگی باهم شادی کردند و رقصیدند. همین مسئله ساده به مذاق ناسیونالیست‌ها

و جمهوری اسلامی خوش نیامده است. این مراسمها در شهرهای کردستان و سیعتر برگزار شد و همین کافی بود که پان‌ایرانیستهای جامانده از دنیای امروز، بمثابه «کارشناسان» ظاهر شوند و از «ورود غیرکارشناسی بخش‌هایی از حاکمیت از جمله قوه مجریه به» مباحث قومی «به جای تمرکز» انتقاد کنند. اما درد واقعی شان چیست؟

میگویند: «در اقدامی کم‌سابقه زمینه برگزاری مراسم با عنوان «پیشواز از نوروز» «و سپس» جشن نوروز «از سوی نهادهای مربوطه دولتی در برخی از استان‌های غرب و شمال غرب کشور فراهم شد، بدون اینکه از پیش، برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی شده‌ای درباره نحوه برگزاری و اجرای آن تدوین و تنظیم شود.» وقتی به جوهر و نظر حضرات دقت میکنید؛ میبینید که نگران «فروکاستن نوروز از یک جشن بزرگ ملی ایرانی، به یک مراسم خرد قومی و طایفه‌ای و محلی» از جمله در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی هستند و از موضع پان‌ایرانیستی «سیاست‌های فرهنگی مرتبط با وقایع نوروز امسال در آذربایجان غربی و کردستان و نیز مواضع استاندار آذربایجان شرقی» را محکوم کردند و «رویکرد دولت را در این زمینه تهدیدی برای انسجام و امنیت ملی و تقویت واگرایی‌های محلی دانستند». تمام وحشت این جماعت از برگزاری گسترده مراسمهای نوروزی در کردستان و از جمله در ارومیه است که بدون تنش و تصادم قومی و ملی برگزار شد. اتفاقاً این جماعت تاریخ فکر چون میدانند در کنار اوباش حکومتی در شورای شهر ارومیه و چماقداران پان‌ترکیست قرار گرفتند و از یک موضع واحد حرف میزنند، تظاهرات دولتی- فاشیستی ارومیه را نیز قاطعی مراسم نوروزی ارومیه کردند تا ژست «خطر واگرایی» بگیرند و بر طبل توخالی عظمت طلبی ایرانی کوبیده باشند.

ظاهراً این «اهل علم و هنر» زیادی رند تشریف دارند. تجمع ارتجاعی روز دوم فروردین در شهر ارومیه که با تحریک و حمایت محمد خلیل پور رئیس شورای شهر و جلوداری نادر قاضی پور نماینده پیشین مجلس ارتجاع صورت گرفت و در آن عوامل حکومتی و عده ای از ناسیونالیست‌های پان‌ترکیست شعارهایی مانند: «آذربایجان بیدار است، کردها مهمان ما هستند»، «آذربایجان پاینده باد، دشمنانش نابود باد» و «ارومیه ترک است و ترک میماند» سردادند، مطلقاً با مراسم نوروزی ارومیه که در نهایت همبستگی برگزار شد یکی نیستند. کسی که میخواهد فرهنگ حاکم در ارومیه و کردستان را درک کند، باید به اجتماعات گسترده نوروزی بدون مرز قومی و مذهبی و به اجتماع مردم آزادیخواه ارومیه یک روز بعد با شعار همبستگی ساکنین و تاکید بر برادری و برابری رجوع کند. باید در کره مریخ زندگی کرد که تحرک هولیگان‌های فاشیست و چماقدار که با عکس ملاحسنی قاتل رژه رفتند را با مراسم عادی و متمدن نوروزی ارومیه یکی قلمداد کرد. اما این همسان نشان دادن ماجرا توسط این «کارشناسان» تنها میخواهد موضع مشترک ناسیونالیسم افراطی پان‌ایرانیست‌ها و پان‌ترکیست‌ها را بیوشاند.

ناسیونالیسم با شمشیر چوبین

صفحه ۵

## در باره هشدار تاریک فکران «علم و

### فرهنگ و هنر»

## جنگ ناسیونالیسم با ناسیونالیسم

سیاوش دانشور

اخیراً بیانیهای با امضای حدود ۹۰۰ نفر از باصطلاح «اصحاب علم و فرهنگ و هنر» (نسبت به «سیاست‌های فرهنگی نوروزی» بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی در مطبوعات رژیم و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. این بیانیه که ادعا میشود توسط دانشگاهیان و اساتید و اهل علم و تاریخ و فلسفه و هنر تدوین شده است، پایی در نظام اسلامی و پائی در دنیای عهد عتیق دارد. صفی از وزرا و مقامات در دولتهای سابق جمهوری اسلامی، اعضای «مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و پژوهشگران تاریخ صدر اسلام»، از اعضای «موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور»، از عناصر آتمکش «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، از روزنامه‌نگاران و برنامه‌سازان اصلاح‌طلب و لیبرال تا هنرمندانی که بطور موسمی با مقامات نظام بیعت میکنند، از شخصیت‌های شخیص امضاکننده این بیانیه‌اند.

این اعتراض و هشدار کسانی است که دهه‌ها در مقابل مشقات مردم خود را به خواب زده بودند و منافع و کاریشان اجازه نمیداد که در دفاع از حقوق بدوی پایمال شده مردم ایران بیانیه بدهند! نه فقط فقر و فلاکت میلیونها خانواده کارگری و سوءتغذیه کودکان و تن فروشی و اعتیاد میلیونی وجدان «علمی و هنری و فرهنگی» شان را خراش نداد، سهل است، بخش از مدافعین هار و دوآتشه بازار آزاد و شوک‌های اقتصادی بودند. ناسیونالیست‌هایی که در مقابل کشتارها و اعدامهای جوانان «هم وطن» شان روی برگرداندند، افرادی که زن ستیزی و زن کشی جمهوری اسلامی رگ «علمی و هنری و انسانی» شان را تحریک نکرد؛ ناگهان بدلیل شادی مسالمت‌آمیز و بدون حاشیه مردم زحمتکش در چند مراسم نوروزی، عصب پان‌ایرانیستی‌شان تحریک شد و از خراب زمستانی بیدار شدند! این جماعت با پرچم پوسیده «تمامیت ارضی و عظمت طلبی ایرانی» کاسه داغ تر از آش شدند و به سران حکومت در مورد عدم توجه به «امنیت ملی» هشدار میدهند و به انتقاد خانوادگی از جمهوری اسلامی و سوءاستفاده از اصول قانون اساسی روآورده اند!

### اعتراض برسر چیست؟

سیاست قدیمی جمهوری اسلامی این بوده که از برگزاری مراسمهای چهارشنبه سوری و نوروز ممانعت کند اما از آنجا که مردم این مناسبت‌ها را فرصتی برای شادی و ابراز وجود و همبستگی میدانند و آن را علیرغم سرکوب و فشارهای حکومت به هر حال برگزار کردند و دولت هیچ غلطی نتوانسته بکند، بندریج سیاست نهادهای دولتی بر آن شد که با برگزاری این مراسمها توسط ارگانهای نزدیک به خود برای کنترل آن تلاش کنند. برخلاف تاریک فکران ناسیونالیست که تلاش دارند روی دوش مراسم نوروز و آئین ایرانی دکان سیاسی باز کنند، برای مردم این مراسمها فرصتی برای شادی و شکستن قوانین آپارتاید جنسیتی و برای تعداد بیشتری که در فقر مزمن گرفتارند، عزائی بیش نبوده است. ماجرای امسال هم همین بود. استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

## در باره هشدار تاریک فکران "علم و

### فرهنگ و هنر"

## جنگ ناسیونالیسم با ناسیونالیسم

### سیاوش دانشور

برای پان ایرانیست‌هایی که بیانیه‌شان را با خطاب به «ملت تاریخی و بزرگ ایران» آغاز کرده‌اند، هر نوع احساس تعلق قومی و ملی ساکنین ایران خط قرمز است. برای اینها «نوروز جشن بزرگ ملی» است و جز این مهر «مراسم خرد قومی و طایفه‌ای و محلی» می‌خورد. این جماعت اگر لازم باشد چکمه‌هایشان را پا میکنند و چماق‌ها را بیرون می‌آورند و به جنگ هر کسی می‌روند که مثل آنان از «قر و شکوه ایرانی» حرف نزنند. اگر اینها واقعا نگران تصادم بخشهای مختلف مردم تحت پرچم قومیت و ایرانیگری بودند حتماً با حمایت میلیونی روبرو میشدند. اما در ایران نزدیک به نود میلیون جمعیت با زحمت ۹۰۰ امضا جمع کردند. همین امضاها دامنه نفوذ شوونیست‌های دلوپس را بیان میکند.

ناسیونال شوونیسم حاکم بر این بیانیه سطحی مملو از تناقض است. از سوئی می‌گویند «نوروز، جشن باستانی، ملی و افتخارآمیز ایرانیان است و به هیچ قوم و قبیله‌ای تعلق ندارد» و از سوی دیگر علیه برپائی جشن نوروز در استانهای غرب کشور بعنوان «مراسم خرد قومی و طایفه‌ای و محلی» واکنش نشان میدهند. از سوئی ادعای عدم تعلق به هیچ قومی را دارند و از سوی دیگر قوم ایرانی خودشان را محور نوروز میدانند! حتی فاشیست‌ها مانند اینها بر تکلم به یک زبان واحد اصرار ندارند، اما «اهل ادب و علم و هنر» به برادران حکومتی انتقاد میکنند که چرا با زبان محلی در دیدارهایی سخن گفته اند و بیگانه‌ها را دامن میزنند. شترسواری دولا دولا نمیشود! شما با این ادبیات و ایران پرستی فالانژ خود عنصر جنگهای داخلی فردا هستید. کسانی که تحمل آزادی پوشش و سنت‌های جشن و سرور و تنوع زبانی ساکنین کشور را ندارند، کسانی که بغل دستی‌شان را انکار میکنند، فردا عامل تقابلهای قومی و ملی و مذهبی خواهند بود. این بیانیه یک ذره مسئولیت اجتماعی ندارد.

خانمها و آقایان! قرن بیست و یکم است. دوره تحولات شگرف تکنولوژیک و ارتباطات و هوش مصنوعی است. مدتهاست دنیای ما را «دهکده جهانی» مینامند و برآستی دیگر مرزهای فیزیکی معنی خود را در عمده قلمروهای زندگی بجز بازار داخلی بورژواهای مختلف برای استثمار از دست داده اند. شماها اما در عقبه تاریخ درجا میزنید و حاضر نیستید به دنیای جدید وارد شوید. ناسیونال شوونیسم و پان ایرانیسم شما به تنور قومگیری بنزین میریزد. شما با تکیه به تعصبات ارتجاعی و نگرانی نسالژیک‌تان، راه سناریوی سیاه را هموار میکنید. سال نو در همه جای جهان، مستقل از اینکه کدام بار مذهبی و ملی و تاریخ معجول برای آن تراشیدند، بعنوان تازه شدن طبیعت بعنوان مختلف جشن گرفته میشود. ایرانی و نوروزش هیچ برتری و ویژگی ندارد و تنها جریانات پرت و غیر مسئول میتوانند از این فضاها بعنوان پلانقرم سیاسی استفاده کنند و مانند شما بر تنور ارتجاع ناسیونالیستی بدمند.

با ناسیونالیسم و پان ایرانیسم و ایدئولوژی ایرانی شهری نمیتوان به جنگ ناسیونالیسم قومی رفت. قوم‌گیری یک محصول عظمت طلبی ایرانی است و در دست هم بازی میکنند. ناسیونالیسم به هر معنا و با تکیه بر اصل «اصالت خاک» و ترجیح آن به «اصالت انسان»، شاید برای

ناسیونالیست‌های متفرقه مبنای هویت باشد اما برای مردم متمدن و آزادیخواه بخشی از جهالت بشر است. هویت ملی و ملت و قومیت در تقابل با هویت انسانی همه کاذب و محصول تاریخ اند. امروز کسی دیگر خود را عشیره و طایفه نمیخواند و ظاهراً این نوع تعلق منقرض شده است. «ملت و قومیت» هم همین است. ملتهای زیادی بوجود آمدند و ملتهای دیگری از بین رفتند. این کره خاکی باید جایی برای زندگی و رفاه و آزادی بشریت باشد و نه دنیای مواز نیک‌های ملی و قومی شش در چهار که هر کدام تلاش دارد برتری خود را بر همسایه تحمیل کند. آرکان‌ها و کارادیک‌ها و توجمان‌ها، فاشیست‌هایی که با همین جنس از استدلالهای شما کرور کرور آدم کشتند، همه ناسیونالیست بودند. ناسیونالیسم یک پایه اساسی فاشیسم است. ناسیونالیسم را کمی داغ کنید فوراً سر در اردوی فاشیستم درمی‌آورد.

اینکه افراد کشور و محل تولدشان را دوست داشته باشند، اینکه افراد و گروه‌ها احساس تعلق قومی و ملی و مذهبی داشته باشند، امری شخصی باید باشند و هیچ قدرت و آتوریته‌ای حق ندارد به این اعتبار حقی از شهروندان سلب کند. اما از موضع آزادی بشر، از موضع برابری، از موضع نوع‌دوستی و زندگی با مردمان جهان، ناسیونالیسم چه بمثابه مکتب و چه بمثابه جنبش سیاسی یک خرافه عهد عتیقی و یک شرم زمانه و یک ابزار سرکوب و تفرقه و تقابل است. جمهوری اسلامی و بسیاری از شما افراد شاخص امضاکننده این بیانیه که در دوره‌های مختلف در خدمت نظام بودید و امروز هم به همین نظام اتکا دارید، منشأ تحریک موسمی قومی و مذهبی و سرکوب بوده است. البته صدای شماها هیچوقت بدلیل موضع ایرانی شهری‌تان درنیامده است. نعل وارونه نزنید، و این بساط «ایران ایران» را جمع کنید!

و بالاخره باز هم از موضع «کارشناسی» از «تحریف اصل پان‌زدهم قانون اساسی کشور و طرح کارشناسی نشده» «آموزش زبان‌های قومی و محلی» سخن گفته اید و آنرا «بی‌هیچ گمان و گزافه‌ای، موجب تضعیف زبان ملی و رسمی کشور، یعنی زبان تمدنی، دیرسال، نجیب و بارور فارسی می‌گردد و نتیجه این تضعیف نیز تکه‌پاره شدن زبانی و فرهنگی و سرانجام از هم‌گسیختگی ارکان کشور» دانسته اید! اولاً زبان رسمی باید لغو شود و از میان زبانهای رایج کشور یک زبان بعنوان زبان اداری و آموزشی انتخاب شود مشروط براینکه همه گروه‌های مردم بتوانند به زبان مادری‌شان در مناسبات اجتماعی و آموزش استفاده کنند. ثانیاً یک درک پیشرو و همخوان با جهان امروز تلاش میکند بتدریج زبان انگلیسی را به زبان آموزشی تبدیل کند. چه کسی میگوید زبان مبنای اتحاد یک کشور است؟ این دیگر چه خرافه‌ای است؟ در هر گوشه جهان مردم به انواع زبانها سخن می‌گویند و آموزش می‌بینند و هیچ ارکانی از کشورها به این دلیل «از هم گسیخته» نشده است. امروز که با هوش مصنوعی دیگر زبان و ارتباطات امری جهانی و ساده شده است. چرا اصرار دارید مردم ایران را قرنطینه فکری و فرهنگی و زبانی کنید؟ این فقط ارتجاع ناسیونالیستی است که از زبان «هویت» می‌سازد. کارشناسان ما در این زمینه نیز در دهات مانده اند و حاضر نیستند به شهر بیایند. و بالاخره شماها میخواهید با این منش و روش فردا در تهران و شهرهای بزرگ با مردمی که باهم زندگی و کار میکنند و عمدتاً با «فارسی خالص» سخن نمی‌گویند و از نظر شما لابد «ژن ایرانی» ندارند، چکار کنید؟ می‌کشیدشان؟ بیرونشان می‌اندازید؟ پاکسازی قومی و ملی راه می‌اندازید؟ میدانید دارید چه سومی را تحت عنوان «نگرانی از یک مراسم ساده سال نو» به جامعه تزیین میکنید؟ شماها واقعاً از علم که باید در خدمت تعالی بشر باشد بهره‌ای برده‌اید؟ شماها نگران «قومی‌سازی مناسبات اجتماعی» نیستید، بلکه رسماً و با دمیدن در شیپور ناهنجار پان ایرانیسم درست

طبقه کارگری انقلابی و کمونیست‌هایی سنت دار در جامعه حضور دارند که در مقابل این تشبثات ارتجاعی خواهند ایستاد. مردمی که دارند یک حکومت مذهبی را بزیر میکشند زیر بار مذهب ایرانشهری شما نخواهند رفت. بهتر است بجای تبلیغ این عقاید مسموم ناسیونالیستی کمی انسان باشید، نودوست باشید، جهانی فکر کنید، این طوق لعنت ملی و میهنی و مذهبی را دور بیاندازید و اگر مسئولیتی در قبال همنوع و همسایه و حتی کشورتان دارید، در شیپور ناهنجار نژادپرستی و بیگانه‌هراسی و پان‌ایرانیسم ندمید. دنیا بسیار بزرگتر از افق محدود و حقیر شماست!

۱۰ آوریل ۲۰۲۵

## در باره هشدار تاریک فکran "علم و

### فرهنگ و هنر"

## جنگ ناسیونالیسم با ناسیونالیسم

سیاوش دانشور

مانند همان پان‌ترکیست‌ها و ناسیونالیست‌های متعصب قومی فی‌الحال مناسبات اجتماعی و طبقاتی را قومی و ملی می‌کنید. شماها میخواهید بجز نام ایران و زبان فارسی هرچه و هرکس در هر جا و همه‌جا سرکوب شود. اما کور خواندید! نسلی فهیم، مردمی آزاده و پیشرو،

**منصور حکمت:** دقیقا چون ارتجاع اسلحه دارد مردم ایران باید بازور خوشبخت شوند و خوشبختی شان را اعمال کنند. پروسه ای که در ان حزب الله پاپیون بزند ودر مجلس بعدی بیایدو آبسترآکسیون بکند ورای بدهد وقیام وعود بکند، نخواهیم داشت. درآن مملکت، سرنوشتشان را مردم مجبورند به زور تعیین کنند. اگر کسی در این فکراست که بعد از سقوط جمهوری اسلامی یک عده زیادی ازجک وجانورهای دست راستس که دران مملکت به جان مردم می افتند به مجلس مس روند و هرچه مجلس رای داد، را قبول می کنند، به نظر من خودش را فریب می دهد. برای همین است که اصرارما بربه مردم این است که هر چه سریعتر، نهادهای سیاسی ای که ضامن آزادی وبرابری است را پیدا کنند و درآن متشکل شوند.حزبیت خیلی مهم است. شوراهای کارگری خیلی مهم است. شوراهای مردمی خیلی مهم است. اتحادیه های صنفی خیلی مهم است. برای اینکه این ها تعیین می کند که بعد از جمهوری اسلامی و در جریان سقوط جمهوری اسلامی دست بالا را کی داشته باشد. اگر نداشتند آنوقت یک وضعیت سیاه بی شکلی وهرج و مرج به وجود می آید. ولی اگر واقعا حزب سوسیالیستی، شورا ها واتحادیه های کارگری وشوراهای مردمی در دل این مبرازه شکل بگیرند آن وقت به نظر من اگر هر دست راستی اسلحه داشته باشد، اسلحه اش را در دستش خورد می کنند.

## آزادی، برابری، رفاه

### ازیک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائما بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

## منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



در عرصه تولید وجود آورده است. درست اینجاست که تئوری مازاد تولید مارکس نشان می‌دهد که اتکای سرمایه‌داری به بازارهای صادراتی زمانی که تقاضا کاهش می‌یابد، منجر به درگیری‌های تجاری مخرب می‌شود. آشفتگی فعلی در بازارهای سرمایه‌داری در جهان با این الگو مطابقت دارد.

لنین در رساله اش تحت عنوان " امپریالیسم ، بالاترین مرحله سرمایه‌داری است " استدلال کرد که سرمایه‌داری پیشرفته به‌طور اجتناب‌ناپذیری به پروتکتیویسم و جنگ‌های تجاری متوسل می‌شود، زیرا انحصارها برای جلوگیری از کاهش سود و بازارها رقابت می‌کنند. تعرفه‌های ترامپ از ۱۰ درصد تا ۴۹ درصد بطور کلی و بر شرکای تجاری مانند چین ۱۲۵ درصد و اتحادیه اروپا ۲۰ درصد نمونه‌ای از این موضوع است.

ایالات متحده از هژمونی اقتصادی خود برای گرفتن امتیاز استفاده می‌کند، اما این امر رقابت جهانی را تشدید می‌کند. به عنوان مثال، تعرفه‌های تلافی جویانه ۸۴ درصدی چین بر تمام صادرات ایالات متحده شروع جنگ تجاری تمام عیار است. آمریکا و چین به تنهایی ۴۷ درصد تمام کالاها تولید شده در دنیا را در کنترل خود دارند. اعمال تعرفه‌های ضد تعرفه‌های اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا، شکاف‌هایی را در نظام سرمایه‌داری آشکار می‌کند، که بازتاب پیش‌بینی لنین از چرخش دولت‌های سرمایه‌داری به درون در بحبوحه بحران است. باید به این نکته توجه کرد که تعرفه‌ها نمی‌توانند تضادهای سرمایه‌داری را حل کنند، بلکه آنها صرفاً بحران‌ها را از طریق تورم و از دست دادن مشاغل به سمت کارگران منتقل می‌کنند.

پایمدهای احتمالی تعرفه‌ها تا همین امروز باعث بی‌ثباتی در بازارهای مالی شده است. احتمال رکود اقتصادی بسیار بالاست. اقتصاد جهانی با رشد زیر ۲ درصدی تولید ناخالص داخلی مواجه است که این نشان‌دهنده ناتوانی سرمایه‌داری در مدیریت پایدار تولید است.

بورژوازی آمریکا با شعارهای پوپولیستی ترامپ و قرار دادن کارگران این کشور در برابر نیروی کار خارجی و وعده بازگشت دوران طلایی، طبقه کارگر را از همسرنوشتی انترناسیونالیستی و مبارزه متحدانه علیه سرمایه‌داری تضعیف و پراکنده می‌کند. در حالی که تعرفه‌ها تضادهای نظام سرمایه‌داری را تشدید می‌کند، تنها مبارزه طبقاتی می‌تواند این بحران را تغییر دهد. همبستگی انترناسیونالیستی جنبش کارگری می‌تواند تقسیمات ملی گرایانه حول پروتکتیویسم را به شکست بکشاند.

تعرفه‌های ترامپ بازی نامیدکننده‌ای برای کنترل بحران سرمایه‌داری بدون راه حل‌های سرمایه‌دارانه است که نابرابری و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را در سطح جهان تشدید می‌کند. تعرفه‌ها ابزار بورژوازی برای استثمار طبقه کارگر و تعمیق شکاف‌های ملی است. این جهان‌وارونه سرمایه‌داری، جامعه را بیشتر به سمت قهر انقلابی و رادیکال و دکتورین کمونیستی-کارگری سوق می‌دهد. اگر آلترناتیو کمونیستی و انقلابی مدعی قدرت در دل بحران‌های عیدیه سرمایه‌داری سر بلند نکند، طبقه حاکم همچنان بار رکود اقتصادی، تورم و بیکاری را به دوش کارگران می‌اندازد. ممکن است این تعرفه‌ها در کوتاه مدت از صنایع خاصی محافظت کنند، اما خدمتی به طبقه کارگر نخواهد کرد. راه‌های واقعی سرنگونی نظام سرمایه‌داری و یک آلترناتیو سوسیالیستی است.

10 آوریل 2025

## تحلیل مارکسیستی تعرفه‌های اقتصادی و پیامدهای آن

جمال کمانگر

اعلام تعرفه‌های گسترده ترامپ در ۲ آوریل ۲۰۲۵ باعث شد بازارهای بورس در سراسر جهان با ریزش بی‌سابقه‌ای مواجه شوند. این بازارها تا روز دوشنبه ۷ آوریل بیش از ده تریلیون دلار ارزش خود را از دست داده‌اند! شرکتهای آمریکایی به تنها ۵ تریلیون دلار متضرر شده‌اند. ترامپ تعرفه‌ها را "راهی" برای کارگران ایالات متحده می‌داند، اما در دنیای واقعی این پرده دودی است که توزیع مجدد ثروت به نفع شرکتهای بزرگ و میلیاردرها را در بر خواهد داشت. طبق برآورد خزانه‌داری آمریکا ۲/۹ تریلیون دلار درآمد تعرفه‌ای پیش‌بینی شده است که قرار است در قالب کاهش مالیات بر درآمد شرکتهای و سرمایه‌داران به آنها پرداخت شود! در حالی که کارگران هزینه‌ها را از طریق قیمت‌های بالاتر متحمل می‌شوند. کاهش دو درصدی درآمد پس از مالیات برای خانوارها تنها گوشه‌ای از تأثیرات مستقیم بر معیشت مردم کارگر و زحمتکش در آمریکاست. پس از یک هفته آشفتگی در بازارهای مالی، ترامپ تحت فشار مستقیم میلیاردرهای حامی اش موقتاً تمام تعرفه‌های اقتصادی را تا سطح ده درصد برای سه ماه به حالت تعلیق درآورد اما در همان حال تعرفه‌های اقتصادی چین را تا سطح ۱۲۵ درصد افزایش داد!

برای درک اوضاع کنونی و تحلیل درست مراجعه به نظرات آموزگاران طبقه کارگر مارکس و انگلس و لنین ضروری است. مارکس و انگلس در سالهای دهه ۱۸۴۰ در مورد تجارت آزاد و پروتکتیویسم مطالب خوبی دارند که مدت درستی بر خورد به اعلام تعرفه‌های ترامپ را نشان می‌دهد. مارکس در سخنرانی که قرار بود برای یک کنفرانس در سال ۱۸۴۷ در بروکسل در مورد تجارت آزاد ایراد کند اما به دلایلی اسم اش به عنوان سخنران خط‌گرفته شد و آنرا در ژانویه ۱۸۴۸ منتشر کرد، نظر جامع خود را در مورد تجارت آزاد بیان کرد. انگلس در سال ۱۸۸۸ با تیتیر "درباره مسئله تجارت آزاد" با یک مقدمه آنرا دوبار منتشر کرد و بر صحت آن تأکید و آنرا بسط داد. مارکس و انگلس در این رساله نقد خود از تجارت آزاد و پروتکتیویسم و موضع طبقه کارگر را بیان کرده‌اند. مارکس استدلال می‌کند که تجارت آزاد "آزادی سرمایه‌داری سرکوب کارگر است". چرا که حذف موانع تجاری با تشدید رقابت، کاهش دستمزدها و تشدید تضادهای طبقاتی که استثمار را تسریع می‌کند را به ارمان می‌آورد.

مارکس و انگلس همسویی با بازرگانان آزاد یا پروتکتیویست‌ها را رد می‌کنند، زیرا هر دو سیستم در خدمت منافع سرمایه‌داران هستند. کارگران باید مبارزه خود را برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری و لغو کار مزدی متمرکز کنند. متن ۱۸۸۸ تجارت آزاد را به عنوان یک ابزار دیالکتیکی چارچوب بندی می‌کند که استثمار را عمیق‌تر می‌کند، اما فروپاشی سرمایه‌داری را نیز تسریع می‌بخشد. برای مارکس و انگلس بحث تجارت آزاد و پروتکتیویسم در درجه دوم است، آنها وظیفه انقلابی طبقه کارگر را الغای جامعه طبقاتی میدانستند. بیش از ۱۷۰ سال از انتشار این متن می‌گذرد. سرمایه‌داری موانع انکشاف و دسترسی به دوردست‌ترین بازارها را در سراسر جهان از بین برده است و بعد از جنگ جهانی دوم سیاست جهانی شدن سرمایه و تجارت آزاد را در پیش گرفته است. ما در دوره فراوانی تولید هستیم. پیشرفت سرسام آور تکنولوژی و اتوماسیون و هوش مصنوعی انقلاب وسیعی

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



## کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شد

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای ۹ و ۱۰ فروردین برابر با ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۲۵، با حضور بیش از ۱۱۰ نفر از نمایندگان منتخب تشکیلاتهای حزب، هیئت‌های نمایندگی احزاب و سازمان‌ها و مهمانان شامل شماری از چهره‌های جنبش چپ و کمونیستی و جنبش کارگری، در دو سالن در کلن- آلمان و استکهلم - سوئد به اضافه رومهای نتی با موفقیت برگزار شد. کنگره همزمان با پخش مستقیم در تلویزیون و میدیای حزب این امکان را فراهم کرد که طی دو روز برگزاری کنگره، هزاران نفر کنگره و مباحثات و تصمیمات آن را همراهی کنند.

کنگره در ادامه کار خود دستورهای پیشنهادی دفتر سیاسی ارائه شده به کنگره و یک دستور پیشنهادی دیگر و زمان‌بندی برای آنها را بتصویب رساند. دستورهای تصویب شده عبارت بودند از:

- ۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی. ۲- بیانیه اوضاع جهان (آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری). ۳- قطعنامه اوضاع سیاسی (دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران، اوضاع ملت‌های جامعه و سیاست کمونیستی کارگری در باره قدرت سیاسی). ۴- اولویت‌های حزب حکمتیست (جامعه ایران در آستانه تحولات مهم: جهت‌گیری). ۵- سند آناتومی گذار. ۶- قرارها و قطعنامه‌ها. ۷- پیام‌ها شامل؛ پیام به طبقه کارگر: برای آزادی باید قدرت سیاسی را یکف آورد ۸ - پیام به جنبش آزادی زن: برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی، بسوی یک برابری سوسیالیستی! ۹- پیام به زندانیان سیاسی: زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی، سنگر مقاومت و "نه به اعدام!" ۱۰- انتخابات.

در دستور گزارش، ابتدا سیاوش دانشور گزارش کتبی ارائه شده به کنگره را معرفی و دبیران کمیته‌های حزب؛ رحمان حسین زاده از کمیته سازمانده، صالح سرداری از کمیته کردستان، سعید آرمان از کمیته خارج، اسماعیل ویسی از ستاد تبلیغ و میدیا، عبدالله دارابی در باره کمکهای تاکنون جمع آوری شده، نکات تکمیلی و لازم را به کنگره ارائه کردند. نمایندگان کنگره و مهمانان نقد و نظر، ملاحظات و سوالات خود را بر گزارشات ارائه شده به کنگره ارائه کردند. در پایان رئیس دفتر سیاسی ضمن پاسخگویی به سوالات و ملاحظات مطرح شده، به فعالیت‌های مثبت بین دو کنگره و به کمبودهای جدی در فعالیت‌های این دوره حزب اشاره کرد.

دستورهای بعدی کنگره سند اوضاع جهان را رحمان حسین زاده، قطعنامه اوضاع سیاسی را سیاوش دانشور، سند اولویت‌های حزب را رحمان حسین زاده و اسماعیل ویسی معرفی کردند. سپس نمایندگان حاضر در کنگره ضمن اظهار نظر اصلاحاتی را برای تدقیق اسناد پیشنهاد کردند. در ادامه کنگره وارد رأی‌گیری برای کلیت هر سند شد. کلیت بیانیه اوضاع جهانی با اکثریت آراء و دو رای ممتنع، کلیت قطعنامه اوضاع سیاسی باتفاق آراء، سند اولویت‌ها با اکثریت آراء و دو رای ممتنع، به تصویب کنگره رسیدند. اصلاحات پیشنهادی به اسناد از طرف نویسندگان اسناد، نهایی و برای انتشار آماده می‌شوند.

مهمانان کنگره در خاتمه هر اجلاس نیم‌روزه در نوبت‌های خود در مورد مباحثات کنگره اظهار نظر کردند. سند آناتومی گذار در تماس و مشورت با نویسنده برای بررسی بیشتر به نشست کمیته مرکزی منتخب محول شد. همینطور سه پیام کنگره به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان رسیدند.

صفحه ۹

کنگره با خوشامدگویی ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی به شرکت‌کنندگان و پخش سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد رفقا حسین مراد بیگی (حمه سور) و مظفر صالح‌نیا آغاز و با سخنرانی افتتاحیه رئیس دفتر سیاسی ادامه پیدا کرد.

سیاوش دانشور در سخنرانی خود به سوال «چه باید کرد کمونیسم امروز» در متن تحولات سرمایه‌داری و تشدید رقابت‌های حاد جاری پرداخت و تاکید کرد؛ کنگره یازدهم حزب و این مجمع کمونیستی به طریق اولی با این سوال روبروست: چه باید کرد کمونیسم امروز چیست؟ ما در متن یک شرایط خطیر و متحول جهانی و منطقه ای کار و فعالیت میکنیم. در ایران که حوزه نفوذ و کار ماست نیز با یک جامعه ملت‌های خواهان تغییر روبرو هستیم. در این بحث از جمله بر ضرورت شکل دادن به یک صفبندی بین المللی کارگری و ضد کاپیتالیستی علیه طبقات حاکم و فاشیسم و ناسیونالیسم، بر وضعیت ویژه ایران و جنبش سرنگونی و دورنمای انقلاب کارگری و رفع موانع این مسیر تاکید شد.

با پایان سخنرانی افتتاحیه، پیامهای احزاب و سازمانهای شرکت کننده در کنگره به این ترتیب توسط هیئت‌های نمایندگی حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان راه کارگر، اتحاد سوسیالیستی کارگری، سازمان بدیل کمونیستی در عراق، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ارائه شد. همچنین پیامهای حزب کمونیست کارگری کردستان توسط جلیل رضایی و حزب کمونیست کارگری عراق توسط سیوان کریمی. پیام روبرتو لوزی از سازمان گرایش انترناسیونالیست انقلابی در ایتالیا توسط جمال کمانگر قرانت شد. پیام دوستانه آکسل پرسون از رهبران اتحادیه (ت.ژ. ت) که بدلیل درگیر بودن در اعتراضات نتوانست در کنگره حضور یابد، توسط ناصر مرادی به اطلاع کنگره رسید. در ادامه پیام صوتی بهار منزر از چهره‌های فعال حقوق زن در کردستان عراق از کانال رضا کمانگر پخش شد. در پایان پیام تصویری علی جوادی به کنگره و اعلام پیوستش به حزب حکمتیست بصورت آنلاین پخش شد.

سپس ملکه عزتی از طرف هیئت نظارت سراسری بر انتخابات نمایندگان کنگره، گزارش پروسه انتخابات را به کنگره ارائه داد. کنگره به اتفاق آراء اعتبارنامه نمایندگان منتخب را تصویب و رسماً کار خود را آغاز کرد.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



## کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

### حکمتیست با موفقیت برگزار شد

در دستور قرار و قطعنامه‌ها؛ ۱- قرار پیشنهادی در مورد تغییر نام حزب به دلیل عدم کسب رأی کافی نمایندگان از دستور خارج شد. ۲- قرار در حمایت از اعتراضات دانشجویی برای تقویت سازماندهی دانشجویان رادیکال و سوسیالیست برای در دستور قرار گرفتن توسط پلنوم کمیته مرکزی تصویب شد. پلنوم تصویب کرد که این قرار تکمیل تر بصورت پیام کنگره منتشر شود.

در دستور انتخابات کمیته مرکزی از میان کاندیداها ۳۲ نفر بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند که از این میان ۳۰ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل میباشند. اسامی به ترتیب الفبا به این شرح است:

- ۱- الهام صالح‌نیا ۲- ابراهیم باتمانی ۳- اسماعیل ویسی

- ۴- امیرعسگری ۵- اوین رضایی ۶- پروین کابلی ۷- جلال محمودزاده ۸- جلیل رضایی ۹- جمال کمانگر ۱۰- دلور منزر ۱۱- رحمان حسین‌زاده ۱۲- رضا کمانگر ۱۳- سعید آرمان ۱۴- سعید یگانه ۱۵- سیاوش دانشور ۱۶- سیوان کریمی ۱۷- سوسن هجرت ۱۸- شمال علی ۱۹- صالح سرداری ۲۰- عبدالله دارابی ۲۱- علی جوادی ۲۲- کریم نوری ۲۳- محمود رهبری ۲۴- ملکه عزتی ۲۵- محسن حسینی ۲۶- مختار محمدی ۲۷- ناصر مرادی ۲۸- هلاله طاهری ۲۹- همایون گداگر ۳۰- وریا روشنفکر. اعضای علی‌البدل:
- ۱- نسرین محمودی آذر ۲- مهدی طاهری.

بخش پایانی کار کنگره یازدهم حزب حکمتیست سخنرانی اختتامیه بود. سیاوش دانشور در سخنان اختتامیه ابتدا از همه ارگان‌ها و رفقا و دست‌اندرکاران تدارک سیاسی و اجرایی کنگره قدردانی و از حضور گرم رفقای مهمان تشکر کرد. در پایان بر ضرورت حزب و تشکل در شرایط خطیر کنونی برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی تأکید کرد و رهبران کارگری و رهبران جنبش‌های اجتماعی و سوسیالیستها و انقلابیون را به اتحاد حول پرچم آلت‌راتیو کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تأکید کرد.

به این ترتیب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در میان شور و شوق حضار با پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

سخنرانی‌ها و مباحث کنگره با فایل‌های صوتی، تصویری و نوشتاری در سایت‌های حزب و شبکه‌های اجتماعی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

#### پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۱ (پلنوم ۵۰) برگزار شد

روز یکشنبه ۶ آوریل، پلنوم ۵۰ کمیته مرکزی با حضور اکثریت بالای اعضای اصلی و علی‌البدل برگزار شد. دستور پلنوم انتخابات و موارد باقیمانده از کنگره بود که به رهبری منتخب حزب واگذار شده بود.

از دستورهای باقیمانده از پلنوم یک قرار و یک سند بود. در مورد سند "آنانومی گذار" پلنوم تصمیم گرفت طی جلسه ای در کمیته مرکزی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در مورد قرار حمایت از اعتراضات دانشجویی بعد از معرفی توسط امیر عسگری و مباحث

حول آن، پلنوم به این نتیجه رسید که بجای قرار پیامی خطاب به دانشجویان سوسیالیست و مبارز منتشر شود و جامع تر به موضوع بپردازد.

در دستور انتخابات، برای دبیر کمیته مرکزی رفیق ناصر مرادی به اتفاق آراء انتخاب شد. برای دفتر سیاسی از میان کاندیداها ۱۴ نفر به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند. رفقای منتخب دفتر سیاسی عبارتند از: اسماعیل ویسی، جمال کمانگر، جلال محمود زاده، رحمان حسین زاده، رضا کمانگر، سعید آرمان، سیاوش دانشور، سیوان کریمی، سعید یگانه، شمال علی، صالح سرداری، عبه دارابی، ملکه عزتی و مختار محمدی.

دستور پایانی پلنوم جمع‌بندی و ارزیابی از کنگره یازدهم بود. کل اعضای کمیته مرکزی و علی‌البدل حاضر در پلنوم، از جوانب مختلف جملگی بر موفق بودن کنگره، یک کنگره سیاسی و سطح بالا تأکید کردند و در عین حال روی برخی کمبودهای که قابل اجتناب اند، انگشت گذاشتند. رفقای کمیته مرکزی همینطور بر تقویت حزبی و کار متشکل و جمعی برای وظایف پیش روی حزب در دوره خطیر کنونی تأکید کردند.

در دستور مربوط به انتخابات در دفتر سیاسی، سیاوش دانشور به پلنوم اطلاع داد که قبلاً به رفقای دفتر سیاسی اطلاع داده است که بعد از دو کنگره مسئولیت داشتن در پست ریاست دفتر سیاسی، اصولی تر است که رفقای دیگر کاندید شوند. در جلسه دفتر سیاسی که اعضای کمیته مرکزی نیز بعنوان ناظر حضور داشتند، رحمان حسین زاده کاندید پست رئیس دفتر سیاسی به اتفاق آراء بعنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. برای اعضای هیئت اجرایی از میان کاندیداها رفقا: جلال محمود زاده، سعید آرمان، سیاوش دانشور، سعید یگانه، صالح سرداری و عبه دارابی بعنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب شدند. در جلسه هیئت اجرایی رفیق سعید یگانه به اتفاق آراء بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب شد.

#### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - با ۶ آوریل ۲۰۲۵



برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلت‌راتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

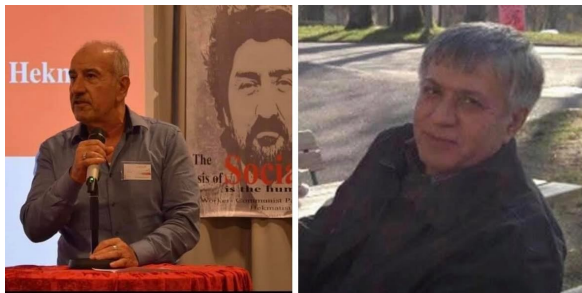
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

**زنده باد همبستگی جهانی کارگران!**

## در مورد نوروز خونین سنندج

باز نشرگفتگوی اکتبر با اسماعیل ویسی و سعید یگانه



اکتبر: نوروز خونین سنندج چرا اتفاق افتاد، زمینه های سیاسی و اجتماعی آن کدامها بودند؟

حاکمیت مردم و دخالتشان در سرنوشت خود که عدم وجود قدرت مرکزی ” و عملاً به حاشیه رانده شدن ارتجاع اسلامی حاکم و نمایندگان و وابستگان محلی اش، ترس از گسترش این وضعیت به سایر مناطق دیگر ایران بود. که برای قدرت سیاسی حاکم ” دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی ” غیر قابل تحمل بود. مترصد فرصتی بود تا بتواند، حاکمیت ضد انقلابی خود را مستقر کند. بر اساس چنین زمینه های سیاسی- اجتماعی، تحمیل نوروز خونین سنندج، در تداوم سیاست سرکوبگرانه با برنامه هدفمند ضد انقلاب اسلامی برای بشکست کشانیدن انقلاب ۵۷ بود که اشاره کردم در جامعه کردستان تداوم داشت. زیرا کردستان از طرف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران، سنگر انقلاب نام گذاری شده بود. بحق و عملاً هم سنگر انقلاب بود!

مرکز ثقل این وضعیت در تداوم و در دفاع از دستاوردهای انقلاب، جامعه کردستان بویژه شهر سنندج بود. در شهر سنندج نیروهای سیاسی. راست قومی- مذهبی ” حزب دمکرات کردستان ایران. جریان مفتی زاده و کمیته های آخوند صبدری ” ۲ کمیته داشتند. ” قطب کمونیستی و چپ ” کومه له علنی نبود. تحت چتر جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب. نیروی اصلی و تعیین کننده بود. سازمان چریکهای فدائی، پیکار و اتحادیه کمونیستها ” مقرات و دفاتر سیاسی خود را داشتند. اکثر نیروهای کمونیست و چپ و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، در جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب متمرکز بودند، که رهبریش در دست رهبران و فعالین اصلی کومه له بود و هدایت میشد. صدیق کمانگر چون رهبر و سخنگوی علنی آن در بعد سیاسی- اجتماعی بود. جدا از آن، تشکل های صنفی کانون معلمین، سندیکای کارگران ساختمانی و سندیکای کارگران بیکار و ... دفاتر دایر و مربوطه خود را داشتند. عملاً قدرتی دوگانه در شهر مابین ” قطب کمونیستی و چپ و قطب راست و ارتجاع مذهبی ” وجود داشت. تقابل و کشمکش جدی، برای دست بالا پیدا کردن و دستیابی به سلطه سیاسی- اجتماعی از هر دو طرف، وجود داشت. وضعیت فوق برای رژیم اسلامی و وابستگان محلی اش جریان ” مفتی زاده و آخوند صفدری نماینده خمینی ” که ماموریت اساسی شان، سرکوب انقلاب و مطالبات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه، همچون رفاه و آزادی بی قید و شرط سیاسی، و تامین بیمه های اجتماعی، بیکاری و درمانی بود، غیر قابل تحمل بود. این جریانات تلاش میکردند مردم را به خانه ها بفرستند. سلطه و هژمونی سیاسی خود را در تقابل چپ و کمونیست، به کرسی بنشانند. فضای شهر را متشنج کنند. برای نمونه در متینگی که در میدان ” آزادی- اقبال ” در اسفندماه برگزار گردید و صدیق کمانگر در آن در دفاع از جو و فضای سیاسی موجود و دستاوردهای انقلاب دفاع کرد و مردم را مقاومت و پایداری در همبستگی اجتماعی فرامیخواند. جمعیت شعار میدادند ” اتحاد. مبارزه. آزادی. برابری. برادری. حکومت کارگری. جماعت مفتی زاده شعار میدادند. برابری، برادری، حکومت پیغمبری ” در آن مقطع حزب دمکرات کردستان ایران در ادامه سیاست لبیک گفتنشان به خمینی، با تمامی امکان و توان در جبهه مقابل

صفحه ۱۱

اسماعیل ویسی: با سپاس از وقتی که در اختیار من گذاشته اید. بطور موجز تاکید میکنم که زمینه های سیاسی- اجتماعی تحمیل نوروز خونین ۵۸ از طرف ضد انقلاب اسلامی بقدرت خزانیده شده به شهر سنندج، ریشه اساسی در انقلاب توده ای ۵۷ داشت. زیرا انقلاب سال ۵۷ در ایران بر علیه رژیم سلطنتی پهلوی، انقلابی آزادیخواهانه و حق طلبانه بود. انقلابی برای دستیابی به آزادی، رفاه و آسایش از هر لحاظ بود. هدف اساسی توده های مردم شرکت کننده و انقلابیون دستیابی و ایجاد زندگی ای بهتر بود. طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ نقش اساسی در ساقط کردن استبداد سلطنتی پهلوی داشت. اما، معنی نکردن مفهوم سرنوشتی انقلابی و عدم وجود حزب کمونیستی کارگری و سیاست روشن و مشخص کمونیستی کارگری در هدایت و رهبری مبارزات طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه و حق طلبانه اجتماعی دخیل در جریان خیزش انقلابی و توده ای ۵۷، معضل اساسی بود. جنبه صرفاً ضد استبدادی و وجود تعلق خاطر سیاسی- اجتماعی جریانات به اصطلاح چپ به اسلام انقلابی؟! حمایت دولتهای غربی به قصد جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ، کاری کرد، ضد انقلاب اسلامی را بر شانه های سنت توده ایستی، و جبهه ملی و فرهنگ ملی - مذهبی ضد غربگرایی بقدرت رسانده شود. ضد انقلاب اسلامی در اساس ماموریت و وظیفه اش سرکوب انقلاب آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم و بشکست کشانیدن آن بود. در این راه از هیچ جنابیتی دریغ نموده است.

در جریان خیزش توده های مردم در انقلاب ۵۷ در جامعه کردستان نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه، نقش اساسی و رهبری کننده را داشتند. جریان ارتجاع اسلامی تسنن ” مکتب قرآن، مفتی زاده و تشیع طرفدار خمینی بسر دمداری آخوند صفدری ” در حاشیه قرار داشتند. حضور ملموس نیروهای چپ و کمونیست پس از سرنوشتی استبداد سلطنتی و فقدان پایگاه اجتماعی جریان اسلامی تازه به قدرت رسیده در کردستان، یکی از عوامل وجود آزاد بیهای بی قید و شرط سیاسی در کردستان بود. عیلرغم تمامی تلاشهای ارتجاع ملی- مذهبی در هیئت ” کل جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد در قالب حزب دمکرات کردستان ایران و جریان مفتی زاده- شاخه نماز خوان و نماز نخوان، برای زد و بند، معامله کردن و به سازش رسیدن با رژیم نوپای اسلامی، ” جامعه در کل تحت هدایت سیاستهای چپ و آزادیخواهانه سمت و سو پیدا کرد و بنوعی و عملاً، انتخاب سیاسی- اجتماعی را مابین جنبش آزادیخواهانه و قومی- مذهبی، کرده بود. کوهی از اسناد غیر قابل انکار در رابطه با شرایط سیاسی- اجتماعی و امنیتی آن روز جامعه کردستان، وجود دارند و ثابت میکنند که بر سراسر کردستان فضای آزاد سیاسی و امنیت اجتماعی حاکم بود. احزاب سیاسی در آزادی بی قید و شرط فعالیت می کردند. جامعه توسط شوراها ارگان حاکمیت مردمی اداره می شد. مفاهیم و مطالباتی چون، آزادی- برابری و آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی، بیان و تامین بیمه های اجتماعی، بیکاری، درمانی مطرح و در سرلوحه خواسته های مردم بود. و ... چنین وضعیت و جو و فضای ایجاد شده و حضور و دست بالا داشتن نیروهای کمونیستی و چپ در اداره جامعه و بنوعی ” برقراری

اعدام قتل عمد دولتی است!

## در مورد نوروژ خونین سندج

باز نشر گفتگوی اکتبر با اسماعیل ویسی و سعید یگانه

بود. تمام قد تلاش میکرد مورد قبول حکومت اسلامی و بویژه خمینی قرار بگیرد. در قدرت سیاسی سهیمش کنند. اداره جامعه کردستان را به وی بسپارند.

ورای تقابل قطب چپ و راست در سطح شهر سندج، تقابل و رقابتی شدید هم مابین ارتجاع مذهبی حیدر صفدری به نمایندگی خمینی و مکتب قرآن مفتی زاده، تحت عنوان نماینده دولت موقت و برای بدست گرفتن نهادی دولتی و بویژه پست استانداری، وجود داشت. صفدری در راس نیروهای مسلح تعمیم شده قرار گرفته بود. ستاد فرماندهی اش را بر روی پل کمانگر در مسیر و نزدیک استانداری و پادگانهای ارتش و ژاندارمری مستقر کرده بود. در روز ۲۶ اسفند ماه ۵۷، شایعاتی در جهت "تخلیه سیلوی شهر از گندم و اسلحه و مهمات پادگانها در شهر جولان میداد" در این اثنا، مکتب قرآنی ها برای تسلیح خود از فرماندهی پادگان ارتش، تقاضای اسلحه و مهمات میکنند. با جواب منفی صفدری که نماینده خمینی و رئیس ستاد نیروهای مسلح بود "روبرو می شوند. روز ۲۷ اسفند، طبق برنامه از قبل، در حرکتی اعتراضی و راهپیمایی بطرف ستاد صفدری، جنگ و درگیری لفظی و مسلحانه همزمان شروع میشود. مسئول ستاد صفدری فردی با اسم "شاطر ممد و ۲ پسرش که پایه اصلی ستاد بودند، کشته میشوند. ستاد تصرف می شود و نیروهای مستقر در آن کشته و دستگیر" میشوند. از یورش کنندگان حمید دلآوری جان میبازد. و چندین نفر زخمی میشوند. یکی از زخمی شدگان در بیمارستان جان میبازد. صفدری به پادگان فرار میکند و فتوای جهاد میدهد. در حین محاصره پادگان از طریق هوا به کرمانشاه فرار میکند. همزمان مردم معترض و عاصی در محل و کسانی دیگر که خود را رسانیده بودند، به جماعت مفتی زاده و لمپنهای همراهش یورش میبرند. بعد از درگیری و زد و خرد، از ترس فرار میکنند. و به پادگان پناه میبرند.

فضای شهر بسیار متشنج و ملتهب میشود. انقلابیون مسلح بطور برنامه ریزش شده در سطح شهر برای مقاومت و برقراری امنیت، مستقر و سازماندهی میشوند. ساختمان ستاد ارتش در خیابان شاپور-۲۲ بهمین - را که فرماندهی لشکر ۲۸ "سرهنگ صفری" در آن مستقر بود، تصرف میکنند و خواهان اسلحه میشوند. صفری را همراه فردی با اسم دکتر خسرو خسروی معاون مفتی زاده را بگروگان میگیرند. در ادامه، ساختمان رادیو تلویزیون و فرودگاه و پلیس راه هم تصرف میکنند. شورای موقت انقلاب شهر سندج را که صدیق کمانگر در راس آن بود، در ساختمان ستاد ارتش تشکیل و در آنجا مستقر میشوند. از آن ببعد تمامی امورات نظامی، تدارکاتی، خوراک، لجستیک و پزشکی و انتظامی و برقراری امنیت و جابجایی تمامی مایحتاج شهر با ایجاد بنکه ها و شورا های محلات تحت نظارت شورای موقت انقلاب شهر سندج سازماندهی و اداره میشوند. شهر در دست انقلابیون قرار میگیرد. در چنین اوضاع و احوالی، حزب دمکرات طبق سیاست در یوزگی اش برای شریک شدن در قدرت سیاسی، رسماً اطلاعیه صادر میکند و خود را میرا از وضعیت پیش آمده، اعلام میکند. اطلاعیه شان در روز نامه اطلاعات آنزمان منتشر شد.

در جریان درگیری مسلحانه مابین دو جریان "ارتجاعی طرفداران مفتی زاده و صفدری" در شهر سندج و فرارشان به پادگان، حکومت اسلامی برای سرکوب فضای آزادیخواهانه، فرصت را غنیمت میدانند

و توسط ارتش غسل تعمید اسلامی داده شده، شهر را بی محابا به توپ و خمپاره می بندد. برای گوشمالی دادن به ارتش و ژاندارمری، از طرف شورای موقت انقلاب شهر، فرمان خلع سلاح پادگان داده می شود. ژاندارمری خلع سلاح و پادگانه محاصره نیروهای مسلح انقلابی در میابد. صدها نفر به داخل پادگان ارتش میروند. جنگ و درگیری در داخل پادگان ارتش ادامه پیدا میکند. صفدری مرتجع فتوای جهاد میدهد. چند واحدی از ارتشی ها، بسختی مقاومت میکنند و با بکار بردن هرگونه اسلحه ای برای کشتار و به عقب راندن انقلابیون، دریغ نمیکند. دهها نفر جان میبازند و حدوداً ۱۵۰ نفر دستگیر میشوند و بدین طریق، واقعه نوروژ خونین ۵۸ را با کشتار و زخمی کردن صدها نفر و ویران کردن شهر از زمین و هوا، به مردم سندج تحمیل نمودند!

جنگ و درگیری انقلابیون در شهر سندج مورد حمایت تمامی مناطق کرد نشین از ارومیه تا کرمانشاه قرار گرفت. نیروهای مسلح همراه کاروانهای تدارکاتی و خوراک و پزشکی و درمانی به سندج گسیل داده شدند تحت نظارت شورای موقت انقلاب و شورای محلات در سطح شهر سازماندهی و تقسیم میگردیدند. جنگ و درگیری و توپ باران و خمپاره باران شهر از پادگان و توسط هلیکوپتر های جنگی ادامه داشت. طی چند روز درگیری پادگان در محاصره قرار داشت و نیروهای انقلابی مسلح مانع خارج شدن و نفوذ شان بداخل شهر شدند.

در حین شدت پیدا کردن جنگ و محاصره پادگان "معاون استاندار کردستان که نماینده دولت بود، به شورای انقلاب شهر سندج، پیشنهاد آتش بس را میدهد. شورا آنرا میپذیرد" اما تیراندازی و توپ باران شهر از طرف پادگان و توسط هلیکوپتر های جنگی ادامه داشت. پادگان همچنان در محاصره و نفاقی که تسخیر شده بود در دست انقلابیون بود. و ... از طرف دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی، برای برقراری آتش بس و یا پایان جنگ، روز اول فروردین ۵۸ هیئتی مرکب از "طلقانی، محمد بهشتی، رفسنجانی، صدر حاج سید جوادی و بنی صدر" همراه صارم صادق وزیر و ابراهیم یونسی از رهبران و فعالین جمعیت کردهای مقیم مرکز برای مذاکره و ختم قضیه به سندج آمدند. در ساختمان دانشکده رازی با هیئت شورای انقلاب شهر سندج که از قیل عزالدین حسینی را، بعنوان سخنگو انتخاب کرده بود، بعهدده داشت، به گفتگو نشستند. "یادآور یکم که حزب دمکرات کردستان ایران فرصت را غنیمت شمرده بود و تلاش کرده بود خود را قاطی کند و عبدالله حسن زاده و غنی بلوریان را بعنوان نماینده فرستاده بود. شورای شهر بنا به موضع طرفداری اش از حکومت اسلامی، شرکتشان را جزء هیئت قبول نکرد. حسن زاده را راه ندادند، ولی غنی بلوریان را صرفاً بحکم سابقه زندای سیاسی بودنش در حکوت پهلوی، نه بعنوان نماینده به محل مذاکره راه دادند." در هنگام مذاکره فائزهای جنگی برای ایجاد رعب و وحشت و تسلیم انقلابیون و تحمیل خواسته های ارتجاع، بر فراز شهر دیوار صوتی می شکستند و مانور میدادند. در این نشست طلقانی شمشیر کشید و تهدید کرد و گفت آن فرد "صدیق کمانگر" که فرمان حمله به پادگان را صادر کرده است. ترسو است. کجاست. باید محاکمه و اعدام شود. صدیق از میان هیئت بلند می شود و با صدای رسا اعلام میکند - صدیق کمانگر منم - جو متشنج میشود و مذاکره ادامه پیدا می کند. در روز ۲ فروردین آتش بس برقرار گردید. و قرار داده شد- ابراهیم یونسی به استانداری کردستان منصوب شد. محاصره پادگان بر داشته شد. اسیر شدگان آزاد شدند. ساختمانها و مکانهای تسخیر شده، تخلیه گردید. نیروهای مسلح ارتش، ژاندارمری و شهربانی حق تردد در شهر را ندارند. کلیه امورات شهر و نهادهای دولتی تحت نظارت شورای شهر باشد. و بعد از آن شورائی از تمامی نیروهای راست و چپ و تمامی اقشار شهر، برای اداره شهر انتخاب گردید. احمد مفتی زاده و اگر اشتباه نکنم فواد روحانی یکی از دستیاران اصلی اش، عضو آن شورا بودند. بر خلاف چرندیات خالد عزیز دیبر کل حزب دمکرات کردستان، نیروهای چپ و کمونیست مفتی زاده

## در مورد نورو خونین سندج

باز نشر گفتگوی اکتبر با اسماعیل ویسی و سعید یگانه

کارگران در محیط کار و زندگی، در راستای تثبیت حاکمیت سپاه خود می کوشید، در کردستان بغیر از پادگانها که بعضا هم از طرف مردم خلع سلاح شدند، شهرها تماما در دست مردم و سازمانهای انقلابی اداره می شد. امورات خود راسازمان می دادند. این شرایط برای رژیم و مرتجعین در محل غیر قابل تحمل بود. از ۲۲ بهمن و قبل از آن نیز مزاحمت و توطئه و مقبله با نیروهای انقلابی و مردم از جانب مرتجعین محلی همچون صفدری مرتجع، نماینده جمهوری اسلامی در سندج و مفتی زاده با دارودسته مزدور و مکتب قرآن که تمام قد به دفاع از جمهوری اسلامی بر خواسته بودند، نتوانست عزم جزم مردم و سازمانهای انقلابی برای دفاع از آزادی و دستاوردهای انقلاب و اداره امور را در هم شکند.

به این دلایل بود که به دستور قرنی یکی از فرماندهان ارتش شاهنشاهی که به خدمت دولت مرتجع اسلامی درآمده بود، با همکاری صفدری که به پادگان سندج فراری شده بود، دستور کشتار مردم صادر شد. از تاریخ ۲۶ اسفند تا اول فروردین شهر سندج از طرف پادگان از زمین و هوا با خمپاره و توپ مورد حمله وحشیانه قرار گرفت. تعداد بیشماری جان باختند و بسیاری از خانه و محل زندگی مردم ویران شد، که به نورو خونین سندج معروف شد. از آنجایی که حمله مزدوران اسلامی به شهر پیش بینی شده بود. تمام کوچه و خیابان شهر توسط جوانان، زنان و حتی نوجوانان سنگر بندی و آماده مقابله بودند. آمدن هیئتی از تهران و مذاکره با نمایندگان مردم در شورای شهر سندج، جنگ موقت به پایان رسید و طولی نکشید با حمله وحشیانه به دستور خمینی مرتجع در ۲۸ مرداد همانسال، جنگی دیگر به مردم تحمیل شد و تاریخ خونین دیگری توسط رژیم جنایتکار اسلامی رقم خورد.

### این جنگ توده ای بود یا جنگ سازمانهای سیاسی؟

هر دو بود. این دو درهم تنیده بود. مردم در کردستان به سازمانهای سیاسی بخصوص کومله که در اس این مبارزه بود و شخصیتهای خوشنام و سرشناس و انقلابی همچون صدیق کمانگر در آن فعالیت می کردند اعتماد داشتند. "جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب" که توسط کومله و سازمان چریکهای فدایی و جمع زیادی از انسانهای انقلابی و سوسیالیست اداره می شد، مورد اعتماد مردم بود و به فراخوان های آن گوش میدادند. شوراها، محلات و شورای مونس شهر در اداره امور و کمک رسانی به مردم در دوره جنگ نقش ارزنده ای ایفا کردند. این در هم تنیدگی و همبستگی مبارزاتی، تبدیل به مقاومت و جنگ توده ای در مقابل حمله و جنگ تحمیلی دشمن شد. این، رمز مقاومت توده ای و پیروزی در مقابل حمله دشمن و سرکوب دستاوردهای انقلابی مردم بود. مردم در کردستان از همان اوایل از رژیم اسلامی منزجر بودند و حاضر به قبول حاکمیت آن نبودند و تا کنون هم این مبارزه برای به گور سپردن آن در اشکال مختلف ادامه دارد.

**اکتبر:** نقش احزاب مختلف، چپ و راست، ناسیونالیست و مذهبی در این جنگ چگونه بود؟

**اسماعیل ویسی:** بمفهوم عملی، نقش قطب کمونیستی و چپ متشکل در هیئت کومه له که تحت لوای جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب با سخنگویی صدیق کمانگر فعالیت میکردند. اما، با شناخته شدن و حضور فعال کادرهایش چون ایوب نبوی، شعیب ذکریانی، یوسف اردلان، کاک شوان "محمد مائی" و ... نقش اساسی و تعیین کننده ای داشتند. همچنین سازمان چریکهای فدایی تحت رهبری بهروز سلیمانی، علی اکبر مرادی و اسماعیل حسینی و سازمان پیکار اسم رفیق مسئول را متاسفانه، بخاطر ندارم. اتحادیه کمونیستها تحت

را فراری ندادند. چون نمیتوانست و برایش ممکن نبود. از لحاظ سیاسی- اجتماعی در حاشیه قرار گرفته بود و نتوانست اهداف ارتجاعی اش را متحقق کند، از شورا کناره گیری کردند. با اینکه قطعنامه "۵ ماده ای قبل از مذاکره، همراه شورای موقت، امضاء کرده بود، اما از هیچگونه تلاش و دسیسه ای دریغ نمیکرد. میکوشید به هر شیوه ممکن فضای ارتجاعی را در هر جا برایش ممکن بود ایجاد کند. حتی در حیاط مسجد جامع شهر سندج مستقر شده بودند هر کسی را عبور میکرد و می شناختند مذهبی نیست و رادیکال و آزادیخواه است، بزور بداخل مسجد می کشیدند و در حوض مسجد که پر از آب بود می انداختند به اصطلاح خودشان، غسل تعمید میدادند. تاکید میکنم که تا واقعه ۲۸ مرداد ۵۸ و حمله به کردستان در شهر سندج، حاکمیت صوری حکومت بود. اما عملا حاکمیت در دست شورای شهر که حاکمیت مردم بود قرار داشت!

در نهایت جریان مفتی زاده، ... به کرمانشاه فرار نمود و با صادر کردن بیانیه ۸ ماده ای، همراه همپالگی هایش به توطئه چینی و نهایتا سازماندهی نیروهای مزدور "جاش" تحت عنوان پیشمرگان مسلمان کرد پرداخت و در همراهی با سرکوبگران اسلامی در کردستان از هیچگونه تلاشی دریغ ننمودند. نمونه هایی از جنایات بر جسته شان، شرکت در جنگ "بایگان و پاوه و اعدام ۹ نفر از آزادیخواهان در پاوه و ۹ نفر در فرودگاه شهر سندج میباشند. قطعا در اعدام های دستجمعی شهرهای سقر، پاوه، مریوان، بانه و مهاباد هم سهم بوده اند.

**اکتبر:** بهانه های رژیم برای تحمیل این جنگ چه بود، اصلا این جنگ توده ای بود یا جنگ سازمانهای سیاسی؟

**سعید یگانه:** بهانه های رژیم اسلامی برای تحمیل جنگ و کشتار مردم در شهر سندج، همان بهانه ها و تبلیغات پوچ و واهی بود که رژیمهای دیکتاتور و خونخوار برای تحمیل حاکمیت سپاه خود به مردم به آن متوسل می شوند. رژیم اسلامی هر بهانه ای که برای توجیه این جنگ و جنایت داشت، دلیل اصلی فاجعه نورو خونین سندج که به قیمت جانباختن بسیاری و ویرانی خانه و محل زندگی مردم تمام شد، این بود، که مردم و سازمانهای چپ و انقلابی حاضر نبودند دست درازی و مزاحمت مرتجعین شیعه و سنی و حاکمیت سپاه اسلامی را به پذیرند. دولتی که تازه به قدرت رسیده بود، یاکمک کردند که در مقابل چپ گرایی و آزادیخواهی و عدالت خواهی و برای سرکوب همه دستاوردهای انقلابی مردم به قدرت رسانده بودند، حاکمیت و اداره جامعه توسط خود مردم قابل تحمل نبود، به این دلیل خون به پا کردند. خوب، ما و مردم و کارگرو زحمتکش و انسانهای چپ و سوسیالیست و عدالتخواه و زنان، که برای آزادی و رفاه و رفع تبعیض و نابرابری انقلاب کرده بودیم و حکومت پهلوی را سرنگون کردیم. مردم انتظار داشتند که آزادی و رفاه و زندگی آسوده ای بدور از فقر و فلاکت و تبعیض داشته باشند. زنان نیز به همین منوال، کردستان آزاد بود. مردم از پائین به کمک نیروهای انقلابی و آزادیخواه و سوسیالیست، بخصوص با تاثیر پذیری از کومله که تازه به طور علنی فعالیت خود را آغاز کرده بود، ارگانهای حاکمیت و اداره زندگی خود را آغاز کرده بودند. نه تنها در سندج که در تمام شهرهای کردستان در جریان قیام و بعد از آن شوراها محلات از پائین پا گرفته بودند، شورای مونس شهر سندج و سندیکای کارگران پیکار، جمعیتهای "دفاع از آزادی و انقلاب" برای اداره امور ایجاد شدند و از جانب مردم و کارگران و زحمتکشان مورد استقبال و پشتیبانی قرار گرفتند. اگر در شهرهای ایران جمهوری اسلامی به سرعت با دستگیری و سرکوب و انحلال سازمانهای سیاسی و برچیدن شوراها

## در مورد نورو خونین سندج

باز نشر گفتگوی اکتبر با اسماعیل ویسی و سعید یگانه

سیاستهای تبعیض آمیز جنبش سیاسی بورژوا ناسیونالیستی کرد و هر نوع ارتجاع قومی - مذهبی را در تحولات آتی جامعه ایران، در سر بزنگاه تعیین کننده بشکست بکشاند. دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خویش - حاکمیت مردم را از طریق مکانیزم شوراها را تضمین کنند. چنین کاری ممکن است از هم اکنون باید دست بکار شد.

**اکتبر:** دستاوردها، نقاط قوت و ضعف جنگ نورو ۵۸ و تأثیرات بعدی آن چه بود؟

**سعید یگانه:** یکی از دستاوردهای مهم این دوره از زندگی مردم، هر چند کوتاه، اداره امورات زندگی، توسط خود مردم از طریق شوراهایی بود که از پائین و به کمک انسانهای انقلابی و سوسیالیست و خوشنام درست شده بودند. برای اولین بار بود که در نتیجه یک انقلاب، مردم در شوراها و کارگران در سندیکای کارگری خود را سازمان داده بودند و بر سرنوشت خود حاکم بودند و سازمانهای چپ و انقلابی مدافع کارگران و زحمتکش، بخصوص کومله را در زندگی خود تجربه کردند. طبیعتاً مردم و نیروی چپ و کمونیست با استفاده از این تجارب با مادگی بیشتری به استقبال تحولات سیاسی پیش رو خواهند رفت.

بزرگترین نقطه قوت این جنگ همچنانکه در بالا به آن اشاره شد، شکل گیری مقاومت مسلحانه توده ای و حمایت پر شور مردم در تمام مراحل جنگ در کردستان، علیه دشمن تا اشغال همه شهرها توسط ضد انقلاب اسلامی و کم تجربه مردم و سازمانهای چپ و کمونیست در ویران شدن با وظایف جدید پیچیده آن دوره، یکی از ضعفهای اساسی بود که بر تصمیم گیری ها و اقدام به موقع، از جمله خلع سلاح پادگان سندج تأثیرات منفی بر جای گذاشت. عدم دسترسی به پادگان و خلع سلاح نیروی نظامی که به خدمت رژیم اسلامی در آمده بودند، این امکان را به دشمن داد که جنگ و ویرانی را به مردم سندج تحمیل کنند. نورو خونین ۵۸ لکه ننگی بر دامن جمهوری اسلامی و نفرت و بیزاری عمیقی را علیه دولت اسلامی بر انگیخت.

تجارب تمام انقلابها از کمون پاریس به این سو تجربه انقلاب ۵۷ و واضحتر نشان داد که در هر تحول انقلابی، بدون درهم شکستن و داغان کردن دستگاههای نظامی مافوق مردم، ماشین جنگی و دستگاههای سرکوب دست نخورده، در خدمت دولت بعدی قرار می گیرند و مردم را از ادامه انقلاب و حفظ دستاوردهای خود باز خواهند داشت. این اتفاق در انقلاب ۵۷ به وقوع پیوست و ارتش و نیروهای نظامی برای سرکوب مردم در کردستان و سایر نقاط ایران به کار گرفته شدند.

آوریل 2021

\*\*\*

رهبری امیر حسن پور و یکی دیگر از کادرهایشان که در جریان درگیری شهر آمل جانباخت، متأسفانه اسمش را بخاطر ندارم و ... همچنین گروهی کمونیستی در محله چل مرده - فه لا چوارلان - تحت محوریت علی گلچینی، "فریدون" وریا ناظری و ... کانون معلمان با محوریت مظفر محمدی. اسامی دوستان دیگر را بخاطر ندارم. سندیکای بیکاران و ساختمانهای تحت محوریت حسن رحیمی " عملا نقش اساسی را در جریان انقلاب ۵۷ و حرکات متعاقب آنها در ایجاد جو و فضای چپ و رادیکال و آزادیخواهانه، سازماندهی بنکه و شوراهای محلات، ایجاد همبستگی اجتماعی و به حاشیه راندن ارتجاع قومی - مذهبی سنی گری مکتب قرآنی و کردایتی کردن حزب دمکرات و رقم زدن تقابل با ارتجاع اسلامی و خلع سلاح پادگان و مقاومت در نورو خونین و عملاً " نه " گفتن جامعه قدرت اسلامی در تهران و قم و در دفاع از دستاوردها و تداوم انقلاب ۵۷ نقش داشتند.

در رابطه با جریانات قومی - مذهبی در هیئت حزب دمکرات کردستان ایران و سنی گری مکتب قرآن احمد مفتی زاده، مقرات و دفاتر خود را داشتند. اما، عملاً نقش منفی داشتند. هر کدام بزغم خود تلاش میکرد از طرف " دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی " بعنوان نماینده سیاسی برای تحکیم قدرت حاکم و خودشان تلاش میکردند. به نمونه هائی اشاره میکنم.

بعد از سرنگونی حکومت پهلوی، در شهر سندج، محلات در کنترل مردم و انقلابیون بود. جریان مکتب قرآنی مفتی زاده، در هر محله ای برایش ممکن بود به بنکه و شورای محلات برای منحل کردنش، حمله و تلاش میکرد. چندین بنکه و شورا را بزور و گردن کشی منحل کردند. مردم را فراخوان میدادند که " انقلاب پیروز شد " مردم بخانه هایشان برگردید. همیشه در متینکها ئی که برگزار میشد مشغول دادن شعارهای اسلامی و آشفته کردن جو و فضای رادیکال بودند. در یکی از متینکها که صدیق کمانگر در میدان آزادی برگزار و سخنانش بود. انقلابیون " اتحاد. مبارزه. آزادی. برابری برادری. حکومت کارگری. در تقابل شعار میدادند - برابری. برادری. حکومت پیغمبری. اله اکبر، کاک احمد رهبر " به میزهای کتاب جریانات چپ حمله و مزاحمت ایجاد میکردند.

اگر بخوایم بطور موجز کلی واقعه را جمع بندی کنیم و تجارب آن در آتی بکار گرفته شود، باید گفت " نورو خونین تحمیلی از طرف ضد انقلاب ب قدرت خزیده اسلامی، به ساکنین شهر سندج، برای تسخیر و سرکوب و فضای آزادیخواهانه و مقاومت و دفاع سیاسی - اجتماعی آزادیخواهان در تقابل با ارتجاع قومی - مذهبی از آن، یکی از نقاط عطف تاریخی، مبارزاتی - اجتماعی در ایران و کردستان است. عملاً " نه " گفتن به سلطه سیاسی ارتجاع اسلامی میباشد. نقطه عطف و آغازی که از همان مقطع و هم اکنون در همگامی و همراهی با تلاش و مبارزات سراسری برای سرنگونی حکومت اسلامی در جریان است. بر این مبنا است که رژیم اسلامی هم طی بیشتر از چهار دهه از حاکمیتش، از یورش نظامی و لشکر کشی، تحمیل جنگ و کشت و کشتار و جنایت و ملیتاریزه و امنیتی کردن فضای جامعه کردستان در همدستی و همراهی با مرتجعین قومی - مذهبی و مزدوران محلی و اصلاح طلبان کرد، دریغ نکرده است. اما، خوشبختانه هنوز توانسته است از لحاظ سیاسی - اجتماعی جامعه کردستان را تسخیر کند. لازم است فعالین کمونیستی و چپ در کردستان از آن تاریخ درس و تجربه سیاسی - و سازمانگرا نه اجتماعی را تحت رهبری و هدایت حزب سیاسی کمونیستی کارگری حکمتیست، چون شبکه ای متشکل بشوند. تلاشها و

**راههای ارتباط با حزب حکمتیست**

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتسآپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

کمیته مرکزی ایران - حکمتیست  
Workers Communist Party of Iran - Hekmatist

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲  
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰  
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹  
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

## پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری

### — حکمتیست به جنبش کارگری ایران

#### طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت

#### سیاسی را بکف آورد

این حقیقت که جنبش کارگری ایران یکی از تاثیرگذارترین و پر تحرکترین جنبشهای اجتماعی جامعه ایران است، یک آگاهی عمومی است. این حقیقت که مبارزات جنبش کارگری ایران موتور محرکه و شکل دهنده به خواستهای عادلانه و آزادیخواهانه در کلیت حرکتها اعتراضی جامعه است، یک فاکت است. برآمدهای توده ای در یک دهه گذشته، نه فقط یک نتیجه اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری بوده است بلکه خود وجهی از اعتراض طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بوده اند. برآمد توده ای دیمه ۹۶ اساسا اعتراض محرومان بود، برآمد آبان ۹۸ از محرومترین لایه های کارگران و مناطق و محلات کارگری شکل گرفت، برآمد توده ای ۱۴۰۱ که زنان نقش خودیژه در آن داشتند، مهر سیاستهای انقلابی و اعتراضات کارگری را برای رفع تبعیض و خواست برابری بر خود داشت. سرکوب این جنبشها نیز اساسا از فرزندان کارگران قربانی گرفت و کارگران از اولین اعدای آن بودند.

حدود ۴۸۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری زمینه ساز خیزش ۱۴۰۱ بود. در متن خیزش این آمار بدلیل شرایط سرکوب تقریبا نصف شد اما در سال ۱۴۰۲ به حدود ۴۰۰۰ اعتراض و اعتصاب رسید. در سال ۱۴۰۳ دامنه اعتراض و اعتصاب هفتگی و سراسری گسترش یافت و به کلیدی ترین صنایع ایران رسید. زمینه خیزش های توده ای را مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر در مراکز بزرگ و متوسط صنعتی، فرهنگیان، پرستاران و کادر درمان، کارگران پیمانی و رسمی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، جنبش آزادی زن، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه از تبعیض و ستم فراهم کرده است.

سرکوب خونین برآمد توده ای ۱۴۰۱، رکوردشکنی در اعدام، بازداشت دهها هزار معترض، سیاست تشدید فقر و هجوم به سفره خالی کارگران، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و ارزان سازی مستمر نیروی کار، خصوصی سازی ها و بالاکشیدن صندوق های بیمه و اندوخته های کارگران، سرکوب خشن اعتراضات کارگری و شلیک به صف اعتراض کارگران، نتوانسته است جنبش کارگری را از تعرض و اعتراض باز دارد. کمتر کشوری در جهان هست که اعتصاب کارگری مانند ایران جریان داشته باشد. این در شرایطی است که سرکوب لجام گسیخته، ممنوعیت احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری، حق شهروندان برای تشکل و ابراز وجود سیاسی ممنوع است و هر تلاش آزادنیدیشانه برای بهبود و تغییر با سد دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی روبرو میشود.

این جنگ با افت و خیز مواجه است اما زنده و جاری است و هرآینه از گوشه دیگری بروز میکند. جامعه ایران در کشمشکی بیوقفه برسر بهبود شرایط غیر قابل تحمل زندگی و تغییر اوضاع موجود است. سرنگونی نظم حاکم به مسئله محوری و بستر اصلی سیاست ایران بدل شده است. اینبار برآمد توده ای میتواند بمراتب کارگری تر و رادیکال تر باشد. میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده اجتماعی، به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی، به حرکتی برای آزادی جامعه بدل شود. امروز جنگ برای سرنگونی رژیم اسلامی و در هم کوبیدن حاکمیت چهل و تبعیض سرمایه، بر ایفای نقش تاریخساز طبقه کارگر و کوبیدن

مهرش بر تحولات ایران تاکید میکند. همه بر نقش و جایگاه طبقه کارگر در تحولات جاری واقفند و همه منتظر "غول خفته" طبقه کارگرند تا کمر ارتجاع سرمایه را بشکند و بر زمین بکوبد.

رفقای کارگر، همزمان!

اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری، خواست افزایش دستمزد و تامین دستمزد مکفی و مقابله با فقر و فلاکت عنان گسیخته، اعتراض به تبعیض و گرانی، همصدائی گسترده برای حق سلامتی و آموزش و بهداشت، مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، ایران را به جامعه اعتراضات پیشرو و آزادیخواهانه بدل کرده است. تغییر تناسب قوای سیاسی، به همان درجه که تاکنون ممکن شده است، حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی هزاران محفل و شبکه رهبران عملی کارگری و فعالان سیاسی - اجتماعی است. سراسری شدن اعتراضات کارگری در شکل رشته ای و متعاقب آن ایجاد هم جبهتی و همزیانی وسیع تر بخشهای مختلف جنبش کارگری و مردم معترض در خواستها و شعارها، پیشروی شایانی است که تاکنون بدست آمده است. اعتصابات و اعتراضات شکوهمند بخشهای مختلف جنبش کارگری، اگرچه با هزینه زیادی برای پیشروان این مبارزات تمام شده است، اما به سهم خود شرایطی را برای دخالت گسترده و انقلابی طبقه کارگر فراهم کرده است که ابتکار عمل سیاسی را در دست بگیرد و امر سرنگونی حکومت اسلامی را به نفعی تمامیت نظم سرمایه ارتقا دهد.

سوال اصلی برای طبقه کارگر ایران در جامعه ملتهب کنونی تنها تحقق خواسته های بلافصل نیست بلکه فتح سنگرهای جدید و از نظر سیاسی در راس جنبش عمومی قرار گرفتن برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. تحقق کامل همین خواستهای بلافصل نیز به ابراز وجود قویتر طبقه کارگر در مقیاس جامعه گره خورده است. در ایندوران سرنوشت ساز کارگران بیش از هر زمان به تشکل و تحزب، به راه حل طبقاتی بمثابه الترناتیو حکومتی نیاز دارند. در دوره حاضر جنبش کارگری توانسته است با اتکا به مجمع عمومی و عمل مستقیم توده کارگران، خلاء ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری را بدرجه ای جبران کند و به نیازهای مبارزه کارگری جواب دهد. ضروری و مبرم است که این مسیر آگاهانه دنبال شود. گسترش مجمع عمومی، شکل دادن به یک جنبش مجمع عمومی بعنوان ستون فقرات و پایه جنبش شورائی کارگری، نیاز بلافصل امروز و ایجاد پایگاه های قدرت کارگران است. کارگران در مبارزه جاری و در کشمکش برسر قدرت سیاسی به حزب سیاسی خود نیاز دارند. حزبی که نماینده دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری با پرچم سوسیالیستی است.

**کارگران کمونیست و پیشرو، محافل رهبران عملی مبارزات کارگری!**

هزاران اعتصاب و اعتراض و تغییر فضای سیاسی در ایران محصول تلاش سازمانگرانه و درایت سیاسی شماست. دوره حاضر باید دوره عروج و عرض اندام شما بعنوان رهبران سراسری مبارزه اجتماعی و طبقاتی باشد. تقویت و انسجام شبکه های کنونی در هر کارخانه و رشته معین تا ایجاد اتحادهای وسیع تر فرافابریکی، امر و تخصص شماست. مبارزات توده ای محرومان و زحمتکشان علیه فقر و فلاکت و تبعیض و زن ستیزی، تنها میتواند با هدایت سیاسی و دخالت آگاهانه پیشروان طبقه کارگر و رهبری حزب کمونیستی طبقه کارگر دورنمای پیروزی داشته باشد. دخالت مبتکرانه شما هم ضامن پیروزی جنبش توده ای برای سرنگونی است و هم برای رفع استبداد و استثمار و نفی هر نوع ستم و تبعیض، به یک رهبری سراسری و عملی در جدال جاری شکل میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بخشی لاینفک از مبارزه جاری کارگران برای بهبود و تغییر و حزبی برای واژگونی نظم سرمایه داری بعنوان مسبب مشقات کنونی است. فراخوان ما اینست که

رفقای کارگر، پرستاران و کادر درمان، معلمان و فرهنگیان، بازنشستگان، رهبران عملی و اجتماعی کارگری و مبارزات توده ای، مردم رنج دیده و منکوب شده تحت حاکمیت سرمایه، زنان و مردان آزادیخواه و ضد تبعیض، این حزب شماست! نبض این حزب با جنبش طبقه کارگر و امر آزادی جامعه میزند و قوت و ضعف آن تابع افت و خیز این جنبش است. ما در این جنگ و نبرد طبقاتی علیه کلیت بورژوازی مرتجع در یک سنگریم. طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بدست گیرد. کارگران برای آزادی ناچارند کل جامعه را از قید ستم و استعمار و تبعیض آزاد کنند. کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزات درخشان و تلاش قهرمانانه شما درود میفرستد. برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

مصوب کنگره یازدهم به اتفاق آرا

مارس ۲۰۲۵



**partow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: پاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

## پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش کارگری ایران طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

متحزب شوید، با تکیه به شبکه محافل کارگری و رهبران عملی و واقعی کارگران، پایه های یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند را ایجاد کنید و به کمتر از کسب تمام قدرت و ایجاد یک حکومت کارگری رضایت ندهید. طبقه ای که هر روز جامعه را روی دوش کار و تولید خویش بازتولید میکند، خود نیز میتواند آنرا اداره کند. برای کنترل مراکز کار و کارخانه ها آمده شوید. باید هر خلاء قدرت را با قدرت کارگری پر کرد و این قدرت را پایه قدرت سراسری در حکومت انقلابی و کارگری قرار داد.

### یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است .

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

[Hosianzade.r@gmail.com](mailto:Hosianzade.r@gmail.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[Saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:Saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

Uk

هیئت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی



## پیام دفتر مرکزی حزب

### کمونیست کارگری -

### حکمتیست

## به مناسبت درگذشت پدر

## مبارز آقای عبدالله اعظمی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
درگذشت این انسان مبارز و محبوب را به فرزندان و خانواده های اعظمی و وزیری تسلیت میگوید. بیشک یاد او در مبارزه ما برای تحقق آزادی و برابری و رفاه همیشه زنده و گرامی خواهد ماند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران-  
حکمتیست

سه شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۴ برابر با ۸ آپریل  
۲۰۲۵

با کمال تاسف اطلاع یافتیم روز یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴ آقای عبدالله اعظمی پدر رفیق جانباخته عزیزه اعظمی در شهر سنندج درگذشت.

آقای عبدالله اعظمی و همسر فقیدش شمس الملوک شیخ الاسلامی وطنی بعد از دستگیری فرزندشان عزیزه اعظمی که از چهره های سرشناس و کمونیست شهر سنندج بود مورد فشار و اذیت و آزار جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

عبدالله اعظمی به چهره ی شناخته شده ای در مقابل زندان سنندج تبدیل شد که برای نجات فرزندش از هیچ کوششی دریغ نکرد و علیرغم فشار و تهدیدهای جمهوری اسلامی فرزند دلیندش را که هنگام دستگیری حامله بود تنها نگذاشت. بعد از فرار تاریخی عزیزه اعظمی که به همت مردم انقلابی سنندج توانست خود را به مناطق آزاد تحت کنترل پیشمرگان برساند، بار دیگر خانواده او مورد هجوم و کنترل قرار گرفتند. عبدالله اعظمی و خانواده اش هیچگاه در مقابل رژیم سرخم نکردند. رفیق عزیزه اعظمی بارها از پدر و مادرش بعنوان پشتیبان های محکم او برای نجات زندگی خود نام می برد.



## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!